

در حدیث

نیست الا الله و ما به کشته نیست الا الله و بهیچ روزی
 نیست الا الله چنانکه خدای تعالی فرموده و اذ کرد ربك اذا نسیت
 ای اذ نسیت غیر الله و در گفتن این قول وقتی صادق باشی
 جمع تو از غیر حق تعالی بریده شوی و چون طبع از غیر بریده
 شد هیچ واصل شدی دخل حصنی این باشد **بیت** زلا
 برد استی منزه بالاکر سبی رستی که صد در بای پر آتش
 ز لایست تا الا **بیت** **عبودیت** قال الله تعالی
 انا ربکم فاعبدون **عبودیت** بندگی کردنست و بنیاد **عبودیت**
 بر شریعت است و در خبر است که پیغمبر علیه السلام رو با صحابه
 کرد و گفت که من از پدر ماد رسما بوسه اشغفم ثم از غایت
 شفقت و مروتی که بوسه اشغفم و آنچه شما را با حضرت عزیر بود که

بی کرد اند شما را تقیلم می کنم و تقیلم او شدعت است ای سائل
 راه حق بر تو باد که شریعت را معتبر داری که خیر دنیا و آخرت
 در شریعت است و هر چیزی را ظاهر است ظاهر است
 شرع است چون اسم عرش را مقلوب کنی شرع بود پس
 در او شرع بگرداند و از عرش خدای گردد آینده باشد که
 جایگاه رحمت حق است و او در خشم خدا باشد و جای او جو
 نار باشد و بدان که شریعت را ظاهر است و باطنی است
 ظاهرش فتواست و باطنش تقوی است چنانکه نقل است
 از امام ابوحنیفه کوفی رحمه الله علیه که روز در بازار می گشت
 مقداری ناخن طی بر جامه او چکید بلب دجله رفت و نشست
 گفتند یا امام تو این قدر نجاست بر جامه رخصت داده

در حدیث

Copyright © King Fahd University